

پیش روی آینده منطقه خاور میانه

با وقوع جنگی بزرگ؟

مسیر پیشبرد طرح‌های آمریکا را هموار کند. اسرائیل و حملات این رژیم علیه حزب الله لبنان اکنون در نقش جاده صاف کن استراتژی آمریکا عمل می‌کند.

با عطف نظر به استراتژی کلان آمریکا و اهداف این کشور در خاور میانه می‌توان به طرح این نظر خطر کرد که حملات اخیر اسرائیل به لبنان نه یک اقدام تاکتیکی بلکه در قالب یک استراتژی کلان برای تغییر توازن قدرت در منطقه و تحول نظم امنیتی خاور میانه انجام می‌شود. این اقدام کاملاً با استراتژی کلان آمریکا و همچنین کشورهای منطقه به ویژه عربستان سعودی همسو است. اکنون بهتر می‌توان دلیل تعجیل رهبران سعودی برای عادی سازی روابط با ایران و از سرگرفتن روابط دیپلماتیک را درک کرد. به نظر می‌رسد محمد بن سلمان با پیش بینی رویارویی احتمالی ایران و اسرائیل در آینده بر آن شد تا با احیای روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران خود را از مهلکه منازعه احتمالی دور نگه دارد. رهبران سعودی در توافق نظری آشکار با آمریکا، تضعیف محور مقاومت را مهمترین پیش شرط برای تغییر منطقه می‌دانند. با تحقق چنین امکانی، کشورهای منطقه با عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی، مهمترین زمینه بحران را از بین برده و جبهه منطقه‌ای آمریکا برای رویارویی با چین تقویت خواهد شد. همکاری‌های نظامی کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی و ابتکاراتی همچون کریدور اقتصادی «هند-خاور میانه-اروپا» (IMEC) طرح‌هایی در هم تنیده برای شکل دهی به نظم منطقه‌ای جدید خاور میانه است.

برای تحقق این هدف کلان اکنون دولت بایدن و اسرائیل در یک همکاری بی سابقه از زمان آغاز بحران غزه بر آن شده‌اند

تا با تضعیف توان نظامی و سیاسی حزب الله لبنان، گام بعدی استراتژی خود یعنی تغییر سامان سیاسی لبنان را آغاز کنند. بر این اساس به گفته مقامات آمریکایی، کاخ سفید بر آن است تا در پس صریح بزرگ اسرائیل به رهبری و زیرساخت‌های حزب الله، مقدمات انتخاب رئیس جمهور جدید لبنان در روزهای آینده را فراهم کند. برای بیش از دو سال است که لبنان رئیس جمهور ندارد و همین امر سبب بی ثباتی و تشدید بحران سیاسی و اقتصادی در این کشور شده است. اصلی ترین گزینه برای ریاست جمهوری لبنان، ژنرال جوزف عون فرمانده نیروهای مسلح لبنان است که حمایت آمریکا و فرانسه را با خود به همراه دارد. آمریکا، حمله اسرائیل را فرصتی مغتنم برای تعیین جرمه عون در مقام رئیس جمهور لبنان می‌داند تا از این طریق ضمن مهار نیروی نظامی حزب الله، کنشگری سیاسی این گروه در آینده لبنان را نیز تضعیف کند. به نظر می‌رسد اکنون تمامی تمرکز سیاست خارجی آمریکا در لبنان بر سر این تحول متمرکز شده است.

رویکرد آمریکا و اسرائیل به ایران و آینده منطقه خاور میانه

پیش از این گفته آمد که اسرائیل پس از طوفان الاقصی تغییر نظم امنیتی منطقه خاور میانه را جست و جو می‌کند. اسرائیل با این برداشت که در اثر حملات گسترده به غزه و لبنان و از بین بردن زیرساخت‌های نظامی و ترور فرماندهان این دو گروه مقاومت، اکنون جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین منابع بازدارندگی خود را از دست داده است، بر آن است تا بدون نگرانی از واکنش ایران، استراتژی خود را در منطقه هدایت کند. در آمریکا اما همچنان احتمال آغاز جنگی بزرگ در اثر زنجیره کنش و واکنش بین ایران و اسرائیل مهمترین نگرانی است.



برخلاف لبنان که در آن رویکرد آمریکا و اسرائیل کاملاً یکدیگر همپوشانی دارد، مورد ایران به محل اختلاف واشنگتن و تل آویو تبدیل شده است. از اظهارات مقامات آمریکایی و اسرائیلی چنین می‌توان دریافت که در مجموع می‌توان دورویکرد را در باره آینده تحولات استخراج کرد:

رویکرد نخست که دولت بایدن و برخی شخصیت‌های میانه رو اسرائیلی از آن حمایت می‌کنند، بر آن است که اسرائیل پس از تضعیف توان نظامی حماس و حزب الله و رفع تهدیدات این گروه باید با پذیرش یک توافق آتش بس، مقدمات گفت‌وگوهای دیپلماتیک و تعیین آینده سیاسی غزه و لبنان را فراهم کند. به بیانی دیگر، اسرائیل باید با پایان دادن به عملیات‌های نظامی خود از ادامه منازعه و بر خورد احتمالی با ایران اجتناب کند. از نظرگاه حامیان این رویکرد، اکنون اسرائیل توانسته تهدیدات وجودی علیه خود را رفع کند و دیگر ادامه جنگ و برخورد نظامی با جمهوری اسلامی ایران ضرورتی ندارد. با پایان دادن به عملیات‌های نظامی، اسرائیل می‌تواند فرآیند عادی سازی روابط با کشورهای منطقه را از سر گرفته و گام‌های بعدی برای پیشبرد طرح دودولت برداشته شود. دولت بایدن از چنین رویکردی حمایت می‌کند. دولت بایدن بر آن است تا اسرائیل را از حمله گسترده به ایران منع کند. استراتژی آمریکا افزایش فشارهای اقتصادی، تضعیف توان نظامی و انزوا سیاسی ایران است تا از این طریق زمینه برای تشدید نارضایتی‌های داخلی فراهم شود. به نظر می‌رسد الگوی آمریکا در برخورد با ایران پیروی از الگوی شورویایی چون لیبی و ونزوئلا است که در آن بدون حمله نظامی گسترده، تنها بر بحران آفرینی داخلی تمرکز شود. ایران را باید تنها به کشوری ضعیف و ورشکسته تبدیل کرد و نیازی به حمله نظامی گسترده نیست.

کابینه افراطی بنیامین نتانیاو و افرادی چون بنی گانتز در اسرائیل و همچنین برخی حامیان ترامپ در آمریکا از رویکرد دیگری پیروی می‌کنند. در این رویکرد باور بر آن است که تحولات یک سال اخیر، فرصتی تاریخی را در اختیار آمریکا و اسرائیل قرار داده است تا تحولی بزرگ در خاور میانه را رقم زنند. نفتالی بنت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، در سخنانی تأمل برانگیز مدعی شد: اسرائیل «بزرگترین فرصت نیم قرن اخیر برای تغییر چهره منطقه را در اختیار دارد. تاریخ تنها یکبار در خانه شما را می‌گوید اگر از آن بهره نبرید شاید هیچ‌گاه دیگر چنین فرصتی را در اختیار شما قرار ندهد». این فخره رویکردی را نمایندگی می‌کند که خواستار تداول جنگ است و برهه کنونی را فرصتی بی سابقه برای تحولی بزرگ در خاور میانه تقسیم می‌کند. بنیامین نتانیاو نیز خود حامی این رویکرد است. وی از کوشش اسرائیل برای «تغییر توازن قدرت در منطقه» سخن می‌گوید. بر این اساس اسرائیل همچنان باید به حملات نظامی علیه حزب الله لبنان ادامه دهد و برای جنگی بزرگ با ایران نیز آماده شود. گرچه دولت بایدن با این رویکرد نتانیاو همراه نیست و آن را خلاف منافع استراتژیک آمریکا می‌داند و به همین سبب بیشترین امید نتانیاو پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است اما این نکته مهم را باید به مناسبت و به اشاره یادآور شد که شورویخانه موفقیت‌های نظامی سریع اسرائیل در لبنان، محاسبات مقامات آمریکایی را نیز دستخوش دگرگونی کرده است. در لبنان ترور فرماندهان نظامی حزب الله و تخریب زیرساخت‌های نظامی این گروه سبب شد تا آمریکا نیز با ناپدید گرفتن خطوط قرمز تعیین شده، به اسرائیل برای حملات گسترده تر، آزادی عمل بیشتری دهد. مورد لبنان به خوبی نشان می‌دهد که تحولات میدانی، محاسبات استراتژیک آمریکا را تغییر داده است. رفتار دولت بایدن در مورد لبنان گویای آن است که گرچه گام آمریکا و اسرائیل بر سر ماهیت تحولات خاور میانه در گفتار طرُق مختلفه دارند اما در استراتژی و اهداف، به نقطه‌ای واحد نظر دارند. اکنون این تهدید فوری را باید جدی گرفت که تداول موفقیت‌های نظامی اسرائیل می‌تواند آمریکا را نیز به سمت تغییر استراتژی و هماهنگی بیشتر با اسرائیل ترغیب کند. به سبب اشتراک تامه اهداف استراتژیک، در صورتی که اقدامات نظامی اسرائیل، برای این رژیم یا آمریکا هزینه‌ای در پی نداشته باشد، بی تردید این دو در هماهنگی بیشتر با یکدیگر به حملات ادامه خواهند داد. تجربه نشان می‌دهد این پیوند بین موفقیت‌های میدانی اسرائیل و تغییر استراتژی آمریکا در دوران پس از طوفان الاقصی چنان استوار است که نمی‌توان بر شالوده آن هیچ تردیدی افکند. نتانیاو بر آن است تا با اثبات دستاوردهای حاصل از موفقیت‌های نظامی، دولت مردان آمریکایی را به همراهی بیشتر با رویکرد خود ترغیب کند. نتیجه موفقیت این کوشش شوم آن است که حتی در صورت پیروزی کاملاً لایحه‌ریس در انتخابات ریاست جمهوری، همچنان پیوند آمریکا و اسرائیل برای ادامه تغییرات در منطقه خاور میانه استوار باقی خواهند ماند.

از باب نتیجه گیری می‌توان گفت تا زمانی که تحولی در عرصه نظامی یا سیاسی محاسبات نتانیاو را تغییر ندهد، یگانه افقی که در برابر منطقه قرار خواهد داشت، تداول حملات نظامی این رژیم است. نیرویی باید اسرائیل را متوقف و تحولی بنیادی در اندیشه‌ها و محاسبات این رژیم در باره امکان تغییر در خاور میانه ایجاد کند. در غیر این صورت، نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکانیز در استراتژی اسرائیل در منطقه و همراهی آمریکا با آن هیچ تغییری ایجاد نخواهد کرد. کوتاه سخن اینکه، جلوگیری از وقوع جنگی بزرگ در خاور میانه اکنون نه با آتک به حقوق بین الملل و نه استمداد از سازمان‌های بین المللی امکان پذیر نیست. بازی قدرت تعیین کننده آینده تحولات منطقه است و در این بین ایران باید با یاری گرفتن از تمامی ابزار قدرت خود در عرصه‌های سیاسی و نظامی، تمامی کوشش خود را برای تغییر محاسبات رژیم صهیونیستی و بنیامین نتانیاو به کار گیرد.

سیاستمداران



رایزنی ترامپ با نتانیاو

«دونالد ترامپ» رئیس جمهور پیشین آمریکا و نامزد حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری این کشور شامگاه یکشنبه، در مصاحبه‌ای با شبکه آمریکایی «فاکس نیوز» گفت با «بنیامین نتانیاو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی صحبت کرده است. زمانی که مجری از ترامپ پرسید چه وقت با نتانیاو صحبت کرده است؟ گفت: «دوروز پیش بود و اینکه (گویی) همراه با همسرش به خانه من در فلوریدا آمده بود که او زیبا بود». ترامپ در ماه ژوئیه با نتانیاو در استراحتگاه خود در پالم بیچ فلوریدا دیدار کرد. این اولین دیدار آنها پس از پایان دوره ریاست جمهوری او بود. «جو بایدن» رئیس جمهور آمریکا نیز هفته گذشته و پس از وقفه‌ای ۵۰ روزه، با نتانیاو گفت‌وگو کرد. تماس چهارشنبه آنها اولین گفت‌وگوی شناخته شده بین بایدن و نتانیاو از ماه اوت بود. در واکنش به این مسئله، ترامپ عدم مکالمه بایدن و نتانیاو در نزدیک به دو ماه گذشته را «مشمزمزکننده» خواند. ترامپ گفت: «می‌توانم به شما بگویم که بی‌بی بسیار قوی بوده است. او به حرف بایدن گوش نمی‌دهد.»



انتقاد از حمله به یونیفل

دیبرکل سازمان ملل با محکوم کردن حملات رژیم صهیونیستی به صلح‌بان‌ها در جنوب لبنان تأکید کرد که این حملات می‌توانند مصداق جنایت جنگی باشند. «استفان دوچاریک»، سخنگوی «اتونیو گوتز» اظهار کرد، دیبرکل سازمان ملل حملات رژیم صهیونیستی به بست‌های دیده‌بانی نیروهای صلح‌بان این سازمان در جنوب لبنان در روزهای گذشته که چندین تن از این نیروها را مجروح ساخت محکوم و تأکید کرده که این حملات ممکن است مصداق ارتکاب جنایت جنگی باشند. دوچاریک بیان کرد: «پرسنل یونیفل و پایگاه‌های آنها هرگز نباید مجدداً مورد حمله قرار بگیرند. حملات علیه صلح‌بان‌ها نقض قوانین بین المللی محسوب شده و ممکن است مصداق یک جنایت جنگی باشد.» او در ادامه بیانیه خود با اشاره به حمله روز یکشنبه رژیم صهیونیستی به نیروهای یونیفل نوشت: «در حادثه شدیداً نگران کننده‌ای که امروز اتفاق افتاد دروازه ورودی یک مقر سازمان ملل عمداً مورد حمله خودروهای زرهی ارتش اسرائیل قرار گرفت.»



فلسطین باید کشور مستقل باشد

دیبرکل سابق ناتو ضمن ابراز نگرانی نسبت به تشدید تنش‌ها در غرب آسیا، بر راه‌حل دودولتی و تشکیل کشور مستقل فلسطین تأکید کرد. «ینس استولتنبرگ» دیبرکل سابق ناتو طی مصاحبه‌ای با نشریه آلمانی «اشپیکل» با بیان اینکه مشکل اصلی فلسطینیان، «نبود کشوری مستقل» است، گفت: «تشدید تنش‌های جاری خطر جدی است زیرا یک جنگ منطقه‌ای گسترده تر می‌شود اما مشکل اصلی فلسطینیان این است که کشور مستقل خود را ندارند.» دیبرکل سابق ناتو در ادامه این موضوع تأکید کرد: «من متوجه دشواری‌های راه‌حل دودولتی هستم اما معتقدم که پس از هفتم اکتبر، نیاز برای چنین راه‌حلی میرفت‌شده و فلسطین باید کشور مستقل خودش را داشته باشد.» او با اشاره به نقش کشورهای غربی و ناتو در این جنگ عنوان کرد: «ناتو هرگز مستقیماً درگیری میان اسرائیل و فلسطین دخالت نداشته است. البته این بدین معنا نیست که ما نسبت به این موضوع نگران نیستیم. ناتو پاسخ بسیاری از سوالات در جهان است اما نه تمامی آنها. من همچنین از تلاش‌های شرکای ناتو مانند ایالات متحده و آلمان که برای تنش‌زدایی و یافتن راه‌حل سیاسی تلاش می‌کنند، حمایت می‌کنم.»